

حکومت خردمند و دولت عاقل نه تنها در لزوم اعتراض تردید نمی‌کند، بلکه از آن استقبال هم می‌کند.

اعتراض اگر وارد هم نباشد باید از آن استقبال کرد، همانند حکایتی که ظاهراً درباره‌ی شیخ بهایی آمده است که در حال ساخت دیوار مسجدی بود. پیرزنی رد شد و گفت این دیوار کج است. شیخ بهایی به حرف پیرزن توجه کرد و با دقت چند بار به دیوار کوبید و از پیرزن پرسید حالا چطور؟ پیرزن گفت حالا درست شد. از شیخ بهایی پرسیدند تو که استاد معماری هستی چرا به اعتراض پیرزن توجه کردی؟ شیخ پاسخ داد اگر توجه نمی‌کردم برای من تبعاتی داشت، شهر از هزارویک حرف نامربوط درباره‌ی عملکرد من پر می‌شد. گفت اگر به این اعتراض توجه نمی‌کردم، حتی اگر یک اعتراض نادرست باشد، تبعات بدتری ایجاد می‌کند. پس باید از اعتراض استقبال شود.

ساختار دمکراتیک مثل ماشین و سیستم، تمام اجزایش با هم مرتبط است. قانون اساسی هم یک سیستم است. اصل ۲۷ را نمی‌توان بدون اصل ۲۶ دید. اصل ۲۷ به تنهایی و بدون سایر اصول قانون اساسی قابل تحلیل نیست و تحلیل ناقصی خواهد داشت؛ به بیان دیگر، نمی‌توان «حق اجتماع» را بدون «حق تشکل» در نظر گرفت. ارتباط وثیقی میان حق تجمع و حق تشکل است؛ تشکل قانونی در هر نوعی نظیر سمن‌ها، سندیکاها و احزاب. در حقوق اساسی گفته می‌شود که قدرت را با قدرت می‌توان محدود کرد. اگر شهروندان می‌خواهند حرفشان شنیده شود و مؤثر باشند باید قدرتمند شوند. اما قدرتمند شدن به چیست؟ به تشکل. به نظر من در این باره کم‌کاری زیادی وجود دارد و ما از همین نقطه ضربه می‌خوریم.

مشکل کار کجاست؟ به نظر من در جمهوری اسلامی سیاسیون یعنی فعالان حوزه سیاسی بسیار نازپرورده شده‌اند. آنان در همه‌ی طیف‌ها و گروه‌ها، در زمان انتخابات و تقسیم غنایم حضور دارند، اما بعد از انتخابات دیگر آنان را نمی‌بینیم. در حوادث اخیر هم خبری از سیاسیون نبود؛ زیرا ساختار طوری طراحی شده است که عادت کرده‌اند وقتی سفره پهن است حضور داشته باشند، اما در موارد دیگر اصلاً مسئولیت نمی‌پذیرند. در رخدادهای اجتماعی سیاسیون واقعاً مؤثر نیستند؛ بنابراین باید نظام به واسطه‌ی قانون و از طریق الزام به تأسیس احزاب واقعی آن‌ها را مسئولیت‌پذیر کند.

قانون انتخابات باید اصلاح شود تا چنین وضعی پیش نیاید. ما به یک قانون انتخابات مبتنی بر نظام انتخاباتی تناسبی نیاز داریم. سیاسیون مسئولیت‌پذیر نیستند، به دنبال کسب قدرت‌اند. نمی‌توان انتظار داشت که یک شبه احزاب قدرتمندی به وجود بیاید و با آن شکل بین‌المللی‌اش کار کند. باید در قانون انتخابات مجلس تناسب ایجاد کرد تا همه‌ی تفکرات و دیدگاه‌ها در چهارچوب قوانین کشور و نظام، کرسی و بلندگویی داشته باشند. در واقع نماینده‌ای داشته